



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۱۷ سپتمبر ۲۰۲۶

حمید انوری

نگاهی گذرا بر یک بخش دیگر گویا یک "کتاب"

"تعصب، سنت و مدرنیته :

جامعه‌شناسان، خاصاً جامعه‌شناسان غربی، جوامع قدیمی انسانی را جوامع سنتی و **جوامع امروزی** **جامعه انسانی** را جوامع مدرن و یا در حال گذار به مدرنیته تفکیک میکنند، همچنان این جامعه‌شناسان جوامع در حال **گذار** به مدرنیته یا پست مدرن را جوامع بحران زا که در پهلوی سایر بحران‌ات اجتماعی – سیاسی به بحران هویت نیز مبتلا میباشند، قلمداد میکنند (این جمله در ذات خود ناقص است. "به... قلمداد میکنند") در جوامع سنتی همه مردم در دفاع از ارزشهایی بودند که از زمانه‌هایی خیلی دور به آنها به میراث رسیده بود. چیزی که گوهر مدرنیته را تشکیل می دهد، یک نوع خاصی از عقلانیت است که به آن عقلانیت انتقادی میگویند. ناگفته نماند که جامعه سنتی هم مبتنی بر عقلانیت بوده، اما عقلانیت دوران سنت ها نه انتقادی، بلکه تفسیری بود و است که بوسیله آن جهان و ماحول انسان را در پیوند با انسان با درنظر داشت شریعت و وحی تفسیر میکردند. اما مدرنیته در پی تغییر و تکامل کمر بسته است. همه مفاهیم دوران سنت ها کاملاً مردود و همه شاخص های اجتماعی به شمول ادیان و باور ها مفاهیم جدید پیدا کرده اند، یعنی دیگر عقل سنتی وابسته به شریعت، وحی و تفاسیر وجود و ارزش ندارند (عاقبت **گرگ زاده، گرگ شود**) با آنکه دین اسلام را دین کامل و **برآورنده نیاز** تمام نیاز های بشری تا آخرالزمان میدانستند. اما آنچه پیشوایان امروزی اسلام، فهمی از دین اسلام ارائه میدهند که با ماهیت اصلی قرآن و آن فهم دین سنتی چه در عرصه اداره و نظام اجتماعی، حقوق انسانی، نقش علوم اجتماعی و ساینسی و اخلاقیات درمغایرت تام قرار دارد و ایدیالوگ های مدرنیته و طرفداران مدرنیسم دیگر به اثبات اعتقادات و باور های دینی واقعی نمیگذارند و آنرا در حوزه عقل بی معنی پنداشته و **دین را که گفته میشود خداوند** فرستاده است،

برای عبودیت و بندگی و تأمین رابطه بین خدا و بندگانش است، پس هیچنوع جنبه اجتماعی نداشته و نه برای اداره جامعه و حاکمیت مطمع نظر دارند.

در جوامع سنتی هم دولت و هم نهاد های اداره و نظم عامه مشروعیت شان را از دین گرفته **شرعیت** **شریعت** حیثیت قانون و مقررات را داشت ..."

در همین یک پاراگراف اغلاط متعدد املائی، انشائی و گرامری یا دستوری را نشانی کردیم، اگر هر قسمت را از آغاز تا انجام مورد غور قرار دهیم، دانسته می شویم که چرا و به کدام دلیل ناشرین کتب در افغانستان عزیز از نشر این کتاب گونه که اکثراً کاپی شده از نشرات مختلف است و آنچه جناب "میرزاده" از خود بر آن کاپی ها افزوده است، حاوی اغلاط بی حد و اندازه است، که حتی از متعلمین صنف ششم ابتدائی نیز بعید به نظر میرسد.

و اما آنچه مهم و قابل غور و درنگ است، این تواند بود که این سرسپرده نجیب گاو، نوشته های مورد نظر خود را به چند سایت مختلف ارسال میدارد و یا هم اینکه خودش چون کود های نشراتی برایش داده شده است، بدون درنگ و بدون کوچکترین دقت لازمه، جفگیات خود را همزمان به نشر میرساند و هیچ فردی وجود ندارد تا صرف نظر از اغلاط و اشتباهات متعدد املائی، انشائی و دستوری، لاقلاً زحمت آنرا به خود هموار سازد تا نوشته های ایشان را لاقلاً در قالب که می گذارد، نه از نگاه املا و انشا و دستور زبان، بلکه از نگاه یک دست ساختن و در نظر داشت شکل و شمایل و یک دست ساختن، گویا آدم دستور سازد.

بعد از این قسمت که گویا " قسمت بیستم- فصل چهارم" باشد، دیگر قسمت های آنرا نیز از نظر گذشتانده و اشتباهات، اغلاط املائی و انشائی و دستوری فقط یک یک پاراگراف آنها را اصلاح نموده و در خدمت هموطنان میگذارم تا خود قضاوت فرمایند...

چه زیبا سرود بوده است فروغ فرخزاد باری:

دلت را بتکان

اشتباهات و وقتی افتاد روی زمین

بگذار همانجا بمانند

فقط از لابلای اشتباه هایت

یک تجربه بکش بیرون، قاب کن و بزن به دیوار دلت

اشتباه کردن، اشتباه نیست

در اشتباه ماندن، اشتباه است